

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال پنجم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۸ - شماره پیوسته ۲۵

تماس زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی و تأثیر آن بر ساخت جملات مرکب

ترکی آذربایجانی

(ص ۵۳-۷۰)

عبدالحسین حیدری (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

تحقیق حاضر قصد دارد تا تغییرات نحوی حاصل از تأثیر زبان فارسی بر جملات مرکب زبان ترکی آذربایجانی را مطالعه نماید. داده‌ها از منابع معتبر زبان ترکی آذربایجانی و تعاملات زبانی گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (۳۰ نفر) گردآوری شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که وام‌گیری جزغیرفعلی و حروف ربط زبان فارسی باعث شده است تا گویشوران ترکی آذربایجانی از میان دو یا چند ساخت نحوی جایگزین زبان خود، الگوهای منطبق با ساخت‌های مشابه و متناظر در زبان فارسی (بند متممی راست‌انشعابی، ساخت سببی تحلیلی، بند موصولی پس‌هسته‌ای و بند وابسته با حرف ربط آغازی)، را انتخاب کرده و به کار بندند. تغییرات نحوی حاصل از تأثیر زبان فارسی بر ترکی آذربایجانی، تغییراتی بیگانه با نحو آن زبان نیست، بلکه همه این ساخت‌های نحوی در ترکی آذربایجانی وجود دارد و فقط فراوانی کاربرد آنها با بهره‌گیری از راه‌کارهای تخصیص و گسترش، افزایش یافته است. تغییرات نحوی حاصل که اغلب دلایل کاربردی دارد؛ در جهت همگرایی زبان ترکی آذربایجانی با زبان فارسی انجام یافته است.

کلمات کلیدی: تماس زبانی، جملات مرکب، تخصیص، گسترش

۱. مقدمه

برخورد یا تماس زبانی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای زبان‌های درگیر داشته باشد و تمامی مقوله‌های واژگانی، نحوی و واجی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸). برخورد زبانی می‌تواند به اشکال مختلف تماس دو زبان و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر (قرض‌گیری، همگرایی، تداخل و...) نمایان شود. تماس زبانی که عمدتاً حاصل مجاورت جغرافیایی دو یا چند زبان است، یکی از دلایل اصلی تغییر زبان‌ها محسوب می‌شود و به طور سنتی نقش برجسته‌ای را در حوزه مطالعات زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی ایفا نموده است. رد و بدل شدن عناصر واژگانی بین زبان‌ها، اولین و سریع‌ترین نتیجه تماس آن‌هاست اما تماس‌های منظم و طولانی‌مدت بین گویشوران جوامع مختلف زبانی موجب می‌شود تا عناصر و الگوهای نسبتاً پیچیده‌تر زبانی نیز وام گرفته شوند. مدت‌ها تصور می‌شد که نظام نحوی یک زبان در برابر پدیده وام‌گیری، مصون است اما مطالعات مرتبط با تماس زبانی در اقصی نقاط دنیا (توماسون و کافمن، ۱۹۸۸؛ هریس و کامپیل، ۱۹۹۵؛ آیین‌والد، ۲۰۰۲)، نشان داد که ساخت‌های نحوی مانند جمله، بند و حتی چیدمان واژه‌ها در ساخت‌های گروهی، تحت فشارهای شدید و فزاینده زبان غالب، آسیب‌پذیر هستند. قرابت جغرافیایی و اشتراکات فرهنگی زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی، انتقال سازه‌ها و الگوهای مختلف زبانی بین آن دو را ممکن ساخته است و به دلیل جایگاه اجتماعی، فرهنگی و ادبی زبان فارسی، سهم وام‌گیری زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی به‌ویژه در حوزه واژگان، بسیار گسترده بوده است. مطالعات فراوانی در ارتباط با وام‌واژه‌های فارسی در ترکی آذربایجانی انجام یافته است که در قسمت پیشینه، به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد ولی به تغییرات نحوی حاصل از تأثیر زبان فارسی بر ترکی آذربایجانی، توجه چندانی نشده است. بنابراین تحقیق حاضر بر آن است تا پیامدها و نتایج راه‌یابی تکواژهای دستوری زبان فارسی، به ویژه حروف ربط زبان فارسی به زبان ترکی آذربایجانی را مطالعه نماید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: آیا وام‌گیری تکواژهای دستوری فارسی، به وام‌گیری الگویی ترکی آذربایجانی از جملات مرکب فارسی، منجر شده است؟ یا این که زبان ترکی آذربایجانی در پی وام‌گیری تکواژهای دستوری زبان فارسی، فقط کاربرد ساخت‌های مشابه و متناظر با آن زبان را بسط و گسترش داده است؟

۱-۱. ضرورت تحقیق

پژوهش‌های مرتبط با وام‌گیری از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد، به سمت و سوی تعیین سلسله مراتب نتایج وام‌گیری سوق یافت و محققان تلاش کردند تا به محدودیت‌های جهان‌شمول این پدیده

1. Thomason & Kaufman

2. Harris & Campbell

3. Aikhenvald

زبانی دست یابند. البته هاگن^۱ (۱۹۵۰)، از اولین محققان قرن بیستم بود که ترتیب طبیعی وام‌گیری واژگانی را به صورت زیر ترسیم کرد:

اسم < فعل < صفت < قید < حرف اضافه < صوت

در ادامه، تحقیقات دیگری نظیر میوسکن^۲ (۱۹۸۱) و پاپلاک، سانکوف و میلر^۳ (۱۹۸۸)، به نتایج مشابه دست یافتند و از دیدگاه آن‌ها نیز عناصر طبقه باز زبان (اسم، صفت، فعل) نسبت به عناصر طبقه بسته (حروف اضافه، حروف ربط و ضمیرها)، سهل‌تر وام گرفته می‌شوند. به نظر میرزاسکاتن^۴ (۲۰۰۲: ۲۴۰)، اسم‌ها به‌خاطر دریافت‌کننده بودن نقش‌های تتا، ساخت جمله زبان وام‌گیرنده/پذیرا را به هم نمی‌زنند و در نتیجه، راحت‌تر به زبان یا زبان‌های دیگر انتقال داده می‌شوند. آبخین‌والد (۲۰۰۶: ۲)، معتقد است که هیچ عنصری حتی الگوهای زبانی نیز نمی‌توانند در برابر وام‌گیری مقاومت کنند. مطالعات متعددی تغییرات نحوی حاصل از تماس زبان‌ها را در نقاط مختلف جهان بررسی و یا تحلیل نموده‌اند. برای نمونه، توماسون (۲۰۰۱: ۸۸)، به تغییر ترتیب کلمات جمله از ساخت نحوی فاعل + مفعول + فعل به ساخت نحوی فاعل + فعل + مفعول در زبان‌های مجارستانی و فنلاندی غربی اشاره دارد که در اثر تماس با زبان‌های آلمانی و اسلاوی به‌وجود آمده است. هاینه^۵ (۲۰۰۶)، با بررسی اکثر مطالعات در باب تماس زبان‌ها، نتیجه‌گیری کرده است که گویشوران زبان بدل^(۱) به دنبال تماس با زبان مدل^۱، آرایش نحوی جدید و بیگانه با نظام زبانی خود را به‌کار نبرده‌اند. در مطالعه هاینه (۲۰۰۶)، به دلیل عدم رد و بدل شدن ماده زبانی بین زبان‌های درگیر در پدیده تماس زبانی، از اصطلاح‌های زبان مدل و زبان بدل به جای زبان وام‌دهنده و زبان وام‌گیرنده استفاده شده است. از نظر هاینه (۲۰۰۶)، آنچه که گویشوران زبان بدل در نتیجه تماس با زبان مدل انجام می‌دهند، یک نوع تغییر در کاربرد ساخت‌های نحوی زبان بومی و سازماندهی مجدد آن‌هاست. گویشوران زبان بدل یک ساخت نحوی، از میان دو یا چند ساخت نحوی جایگزین^۷ موجود در زبان خود، که با ساخت نحوی مشابه و متناظر در زبان مدل، انطباق کامل دارد؛ انتخاب می‌کنند و در بافت‌های گوناگون به‌کار می‌بندند. هاینه (۲۰۰۶)، با ارائه شواهدی از تغییرات در ترتیب سازه‌های ساخت‌های نحوی متأثر از پدیده تماس زبانی در زبان‌های مختلف، راه‌کارهایی را معرفی می‌نماید که عملکردشان به تغییر در نحو زبان بدل در جهت

1. Haugen

2. Muysken

3. Poplack, Sankoff and Miller

4. Myers-Scotton

5. Heine

6. model

7. alternative structures

انطباق و هم‌سویی با نحو زبان مدل، منجر می‌شود. تخصیص^۱ و گسترش^۲ کاربرد ساخت‌های نحوی، عمده‌ترین راه‌کارهای پیشنهادی هاینه (۲۰۰۶)، هستند.

۱-۲. راه‌کار تخصیص

دامنه کاربرد ساخت یا ساخت‌های نحوی از طریق این راه‌کار، محدود می‌شود. یک الگوی نحوی از میان دو یا چند الگوی جایگزین که با الگوی مشابه در زبان مدل، مطابقت دارد، انتخاب می‌گردد و در اکثر بافت‌ها به کار برده می‌شود درحالی که الگو یا الگوهای دیگر در حاشیه قرار می‌گیرند. در همین ارتباط هاینه (۲۰۰۶)، به نقل از توماسون (۲۰۰۱b: ۸۹)، به زبان کادیویو^۳ اشاره دارد که از ویژگی ترتیب کلمات نسبتاً آزادی در چیدمان واژه‌های یک جمله برخوردار است (OVS, VOS, SOV, OSV, VSO, SVO). دوزبانه‌های کادیویو-پرتغالی در ترجمه جملات پرتغالی به زبان کادیویو، از ترتیب کلمات SVO پیروی می‌کنند. توماسون (۲۰۰۱b)، معتقد است که این دوزبانه‌ها تحت تأثیر زبان پرتغالی به استفاده از الگوی SVO روی آورده‌اند و بیشتر از آن بهره می‌برند؛ درحالی که به کارگیری الگوهای دیگر ساخت جمله در حاشیه قرار گرفته است.

۱-۳. راه‌کار گسترش

رایج‌ترین راه‌کار انطباق ساخت نحوی زبان بدل با ساخت زبان مدل، راه‌کار گسترش می‌باشد. فراوانی رخداد الگوهای کم‌کاربرد یا محدود به بافت خاص، با بهره‌گیری از این راه‌کار، افزایش می‌یابد و از آن‌ها در بافت‌های زبانی جدید استفاده می‌شود. هاینه (۲۰۰۶)، به نقل از چیکووانی^۴ (۲۰۰۵: ۱۳۱)، یکی از گویش‌های زبان عربی به نام قاشقا-دریا را مثال می‌زند که در ازبکستان به آن محاوره می‌شود. الگوی غالب ساخت جمله در گویش قاشقا-دریا، الگوی SVO بود و الگوی SOV فقط در بافت‌های خاص کاربرد داشت؛ اما گویشوران قاشقا-دریا^۵ با تأثیرپذیری از زبان‌های هندواروپایی مانند زبان فارسی و تاجیک و زبان‌های ترکی همچون زبان ازبکی، استفاده از الگوی SOV را گسترش داده‌اند و حالا این الگو را نیز در بافت‌های جدید زیادی به کار می‌برند.

مطالعات فراوانی در زمینه قرض‌گیری از زبان فارسی به زبان ترکی آذربایجانی صورت پذیرفته است. سلوبین^۶ (۱۹۸۶)، با مطالعه مشکلات کودکان ترک‌زبان در یادگیری بند موصولی و سایر بندهای

1. narrowing

2. extending

3. Kadiweu (a Waikuruan language of Brazil)

4. Chikovani

5. Qashqa-Darya

6. Slobin

وابسته، اظهار نموده است که ترک‌زبانان به‌ویژه ترک‌زبانان ایرانی برای فایق آمدن به مسائلی نظیر پردازش ساخت‌واژه پیچیده (پیوندی بودن زبان) و حالت‌گذاری در جملات مرکب زبان خود، به استفاده از آرایش نحوی ساخت‌های وابسته زبان فارسی متوسل می‌شوند. یاری (۱۳۷۴)، انواع واژه‌های قرضی از زبان فارسی در ترکی آذربایجانی را مشخص کرده و تغییرات آوایی، ساختواری و معنایی آن‌ها را بررسی نموده است. لی^۱ (۱۹۹۶)، با ارائه پیکره زبانی از کاربرد بند موصولی در ترکی آذربایجانی، نشان داد که سخنگویان ترکی آذربایجانی در اکثر مواقع از الگوی بند موصولی زبان فارسی در پاره‌گفتارهای خود استفاده می‌نمایند. او معتقد است که وقت بند موصولی کوتاه باشد (از ۴ کلمه بیشتر نباشد)، گویشوران آذربایجانی بند موصولی پیش‌هسته‌ای زبان خود را انتخاب می‌کنند اما اگر بند موصولی طویل‌تر باشد، آن‌ها به کاربرد بند موصولی پس‌هسته‌ای روی می‌آورند. دلجوی (۱۳۷۶)، نیز معتقد است که ترکی آذربایجانی، بند موصولی پس‌هسته‌ای را از زبان فارسی به عاریت گرفته است. یافته‌های نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳)، حاکی از آن است که به دلیل تفاوت‌های آوایی، معنایی و دستوری زبان فارسی و ترکی آذربایجانی، بهترین راه‌کارهای انطباق افعال قرضی برای زبان ترکی آذربایجانی، دو راه‌کار درج غیرمستقیم و وام‌گیری معنایی می‌باشد. محمودی (۱۳۹۳)، به کاربرد نشانه شرطی فارسی (اگر) در زبان ترکی آذربایجانی اشاره کرده است که در پی آن، ترتیب عناصر جمله نیز تغییر می‌یابد. او نشان می‌دهد که ساخت جدید جایگزین ساخت بومی نمی‌شود، بلکه هریک بسته به عواملی همچون ساخت اطلاع جمله، در بافت‌های مختلفی به‌کار می‌روند.

۲. داده‌ها و روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از هر دو نوع منابع کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. به مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های معتبر (منابع مرتبط با ترکی آذربایجانی که در بخش پیشینه و تحلیل داده‌ها به آن‌ها اشاره شده است) که قرض‌گیری ترکی آذربایجانی از فارسی یا دستور زبان ترکی آذربایجانی را مطالعه کرده‌اند، مراجعه گردید و داده‌های نظیر ساخت سببی مرکب، جمله‌های مرکب ناهمپایه و ترکیب واژه‌ها (گروه‌ها) از میان مطالب مختلف، استخراج و دسته‌بندی شد. علاوه بر این گروه دوم داده‌ها، از تعاملات زبانی ۳۰ نفر (مرد و زن) از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل، مشگین‌شهر و حومه)، از طریق ضبط و یادداشت‌برداری جمع‌آوری شده است (حدود ۱۲ ساعت). نویسنده در گردآوری و تحلیل داده‌ها، به دلیل ترک‌زبان بودن از شم زبانی خود هم استفاده نموده است و در اکثر موارد سوالات به نحوی از گویشوران پرسیده می‌شد تا جواب‌ها از طریق جملات مرکب بیان شود؛ مثلاً برای

¹. lee

تولید جمله مرکب سببی ۲، از گویشور برسیده شد: چرا بچه‌ها زودتر نرفتند؟ ۱۰ نفر از گروه که تک‌زبانه (ترکی آذربایجانی) بودند، از سنین بالای ۵۰ سال برخوردار بودند و بقیه گروه، غیر از زبان بومی، توانایی تکلم به زبان فارسی را نیز داشتند (دوزبانه) و سن‌شان بین ۱۸ تا ۶۰ سال در نوسان بود. در جدول ۱، تعداد و انواع جملات مرکب گردآوری شده به روش میدانی، براساس الگوهای زبان فارسی و ترکی آذربایجانی، مشخص شده است که نمونه‌هایی از آن‌ها، در مثال‌های ۱ تا ۱۶ قابل مشهود است.

تعداد و نوع جملات مرکب گردآوری شده	تعداد جملات مرکب منحصرأ با الگوی زبان ترکی آذربایجانی	تعداد جملات مرکب منطبق با الگوی زبان فارسی در پی قرص‌گیری تکواژهای دستوری فارسی
۴۷ جمله مرکب با بند قیدی	۲۷	۲۰
۲۸ جمله مرکب سببی	۱۰	۱۸
۲۵ جمله مرکب با بند موصولی	۱۳	۱۲
۱۱ جمله مرکب با بند متممی	۲	۹

۱-۲. تغییرات نحوی ناشی از تأثیر زبان فارسی بر جملات مرکب ترکی آذربایجانی

عدم توازن در قدرت و اعتبار اجتماعی زبان‌ها در جوامع چندزبانه موجب می‌شود تا سیطره زبان غالب بر زبان‌های دیگر، روز به روز افزایش یابد. نیاز گویشوران زبان‌های دیگر به واژه‌های تازه در مواجهه با حوزه‌های جدید نوآوری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، به میزان و شدت وام‌گیری واژگانی آن‌ها از زبان غالب سرعت می‌بخشد. به‌وضوح، چنین نیازهایی انگیزه اصلی ورود واژه‌هایی زیادی از زبان فارسی به زبان ترکی آذربایجانی بوده است. علاوه براین، تحصیل به زبان فارسی و انجام مکاتبات اداری و غیراداری به همان زبان، باعث گردیده است تا حجم قابل توجهی از واژه‌های فارسی به ترکی آذربایجانی راه یابد. تراکم بالای واژه‌های زبان فارسی در واژگان ذهنی سخنگویان ترکی آذربایجانی، می‌تواند بر ابعاد دیگر زبان آن‌ها، تأثیر بگذارد و به وام‌گیری یا تغییر در سایر حوزه‌های زبانی، از جمله حوزه نحوی منجر شود.

گویشوران زبان پذیرا در نوعی از وام‌گیری که ساکیل^۱ (۲۰۰۷)، از آن به عنوان وام‌گیری الگویی/انگاره‌ای یاد می‌کند، قاعده انتزاعی را وام می‌گیرند (ماده زبانی انتقال داده نمی‌شود). مثل

^۱. Sakel

وام‌گیری الگویی یا انگاره‌ای جمع مکسر عربی و جمع بستن کلمات فارسی با آن، مانند بنادر؛ بندر یک کلمه فارسی می‌باشد (نزگوی کهن و عبدالملکی، ۱۳۹۳). وام‌گیری واژه‌هایی (مانند فعل‌ها، حروف اضافه و ...) که نقش تعیین‌کننده‌ای در آرایش سازه‌های ساخت‌های نحوی دارند، بیشتر به وام‌گیری الگویی در زبان پذیرا می‌انجامد اما چنین واژه‌هایی، کمتر توسط گویشوران یک زبان به عاریت گرفته می‌شوند؛ زیرا فعل‌ها و حروف اضافه بر سازه‌های دیگر جمله حاکم هستند و به آن‌ها حالت^۱ می‌دهند. ساخت فعل سبک یا همکرد یکی از رایج‌ترین راه‌های انطباق فعل در زبان قرض‌گیرنده است. فعل قرضی به‌عنوان جز غیر فعلی با فعل سبک زبان وام‌گیرنده ترکیب می‌شوند و فعل مرکب را می‌سازند. فعل سبک بومی در این ترکیب، وظیفه نمایش مشخصه‌های دستوری نظیر زمان، نمود، شمار و ... را عهده‌دار می‌شود. فعل‌های مرکب فراوانی مانند شوت کردن، ویراژ دادن، استارت زدن و ... در زبان فارسی از طریق همین ساخت فعل سبک قرض گرفته شده‌اند. شوت و استارت در زبان انگلیسی یک فعل ساده و خودایستا هستند درحالی که به‌عنوان جز غیر فعلی قرضی در ساخت فعل سبک زبان فارسی ایفای نقش می‌نمایند. ترکی آذربایجانی نیز افعال را با الگوبرداری از همین ساخت فعل سبک زبان فارسی، قرض‌گیری کرده است. گویشوران ترکی آذربایجانی جز غیر فعلی فارسی را با فعل سبک زبان خودشان به‌کار می‌برند مانند: *ijāza vermax* (اجازه دادن).

elamax (کردن)، *olmāx* (شدن) و *vermax* (دادن)، از رایج‌ترین فعل‌های سبک زبان ترکی آذربایجانی هستند که با وام‌گیری جز غیر فعلی فارسی، بسامد یا فراوانی کاربرد فعل مرکب در این زبان را بالا برده‌اند. در میان انبوهی از فعل مرکب زبان ترکی آذربایجانی با جز غیر فعلی فارسی، افعال مرکبی همچون *bāyīs olmāx* (باعث شدن)، *ijāza vermax* (اجازه دادن)، *majbur elamax* (مجبور کردن) و ... وجود دارند که شکل‌گیری جمله‌های سببی مرکب را در زبان ترکی آذربایجانی (مثال ۱ و ۲)، با الگوبرداری از ساخت سببی مرکب زبان فارسی ممکن می‌سازند.

۱) *o bāyīs ol-dī (ki) biz gāč-āx.*

بدویم ما (که) شد باعث او

۱- او باعث شد (که) ما بدویم.

۲) *moallim ijāza ver-ma-dī (ki) ušāx-lār jed-a-lar.*

بروند بچه‌ها (که) نداد اجازه معلم

۲- معلم اجازه نداد (که) بچه‌ها بروند.

دهقانی (۲۰۰۰)، معتقد است که در این نوع جمله سببی (مثال ۱)، فعل سببی شده در بند متمم فعل مرکب باعث شدن قرار می‌گیرد و ترک‌زبانان این شیوه سببی‌سازی را از زبان فارسی قرض گرفته‌اند.

¹. case

علاوه بر جز غیر فعلی فارسی، حروف ربط زبان فارسی نیز به زبان ترکی آذربایجانی راه یافته است. حروف ربط (مانند اما، در حالی که، اگر و ...)، در حفاصل بین واژه‌های محتوایی (اسم، صفت) و واژه‌های دستوری (فعل و حرف اضافه) قرار دارند و این ویژگی زبانی، به سهولت راه‌یابی آن‌ها از زبانی به زبان دیگر کمک می‌نماید. هر دو نوع حروف ربط هم‌پایه (و، اما، ...) و وابسته (اگر، چون، که و ...) زبان فارسی، توسط گویشوران ترکی آذربایجانی به کار برده می‌شود که تأثیرگذاری حروف ربط وابسته فارسی بر نحو ترکی آذربایجانی بارزتر است. جملات مرکب ناهمپایه‌ای، دست‌کم از یک بند اصلی و یک بند وابسته تشکیل می‌شود. بند اصلی بدون حرف ربط و بند وابسته با یکی از حروف ربط وابسته آشکار یا پنهان در جایگاه آغازی دیده می‌شود. ارائه نمونه‌هایی از داده‌ها، در چهارچوب تقسیم‌بندی جملات مرکب ناهمپایه‌ای مشکوه‌الدینی (۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۵۶)، انجام می‌گیرد؛ زیرا گویشوران ترکی آذربایجانی، حروف ربط فارسی را مانند فارسی‌زبانان برای پیوند سازه‌ها، به‌ویژه بندهای جملات مرکب به کار می‌برند.

الف- جمله مرکب ناهمپایه‌ای با بند متمم

در جمله‌های مرکب ناهمپایه‌ای مانند جمله ۳، بند وابسته، بند متمم فعل می‌باشد و به همین سبب کاربرد آن بعد از فعل، اجباری است و حرف ربط که، در آغاز بند متمم ممکن است پنهان باشد. بند متمم، مشخصه نحوی دسته خاصی از افعال واژگانی مانند demax (گفتن)، istamax (خواستن)، bilmax (دانستن) و ... است که به مفاهیم دستوری، بیانی و یا ادراکی دلالت دارند.

۳) ušāx-lār bil-ir-di (ki) zanj tez vīr-il-ājāx.

زده خواهد شد زود زنگ (که) می‌دانستند بچه‌ها

۳- بچه‌ها می‌دانستند (که) زنگ زود زده خواهد شد.

ب- جمله مرکب ناهمپایه‌ای با بند موصولی

در این نوع جملات، بند وابسته موصولی (که بند وصفی یا درونه نیز گفته می‌شود و یک بند اختیاری است) از طریق حرف ربط که، به دنبال هسته گروه اسمی (اسم) به کار می‌رود.

۴) ušāx-lar ki jej jal-di-lar gāpi-dā gāl-di-lār.

ماندند پشت در آمدند دیر که بچه‌ها

۴- بچه‌هایی که دیر آمدند پشت در ماندند.

ج- جملهٔ مرکب ناهمپایه‌ای با بند قیدی

در جمله‌های مرکب ۵ و ۶، بند وابسته رابطهٔ دستوری قید را داراست؛ بند قیدی الزاماً با یکی از حروف ربط قیدی به کار می‌رود که عبارتند از: زمانی که، اگر، چون، چون که، هرچند، درحالی که، مگر این که و بند قیدی برحسب حرف ربط حاضر در آن به یکی از مفاهیم علت، زمان، شرط، هدف، تقابل، استثنا و ... اشاره می‌کند.

۵) *o zāmān kī san-i sas-la-dim gonšu-lār jal-di-lar.*

آمدند همسایه‌ها صدا کردم را- تو که زمان آن

۵- زمانی که تو را صدا کردم همسایه‌ها آمدند.

۶) *ajar ɣeyrat-i vār-dī ba niya jet-mir.*

نمی‌رود چرا پس دارد مالکیت- غیرت اگر

۶- اگر غیرت دارد، پس چرا نمی‌رود.

کامری^۱ (۱۹۸۱)، به انواعی از حروف ربط زبان فارسی اشاره دارد که از قرن سیزدهم میلادی به بعد، به زبان‌های ترکی وارد شده است و کتاب‌های دستور زبان ترکی متعددی مانند آندرهیل^۲ (۱۹۷۹: ۴۳۸)، فرزانه (۱۳۵۷: ۱۱۸)، از حروف ربط زیادی (و، یا، اما، که، چون، چون که، زمانی که، هرچند و ...) نام می‌برند که ترک‌زبانان در طول سالیان متمادی از زبان فارسی قرض گرفته‌اند و هنوز هم به کار می‌برند.

۲-۲. تحلیل داده‌ها

بررسی داده‌های گردآوری شده این تحقیق نشان می‌دهد که گویشوران ترکی آذربایجانی با بهره‌گیری از راه‌کارهای تخصیص و گسترش، از میان دو یا چند ساخت نحوی جایگزین زبان خود، الگوهای منطبق با ساخت‌های مشابه و متناظر در زبان فارسی (بند متممی راست‌انشعابی، ساخت سببی تحلیلی، بند موصولی پس‌هسته‌ای و بند وابسته با حرف ربط آغازی)، را انتخاب کرده و به کار می‌بندند که در ادامه با ارائهٔ مثال‌هایی توضیح داده می‌شود.

۲-۲-۱. راه‌کار تخصیص

محدود شدن کاربرد بند متممی چپ‌انشعابی در زبان ترکی آذربایجانی مثال خوبی برای رخداد راه‌کار تخصیص در ترکی آذربایجانی امروزی، به دلیل تماس با زبان فارسی است. بند متممی در زبان‌های

^۱. Comrie

^۲. Underhill

ترکی (مثال ۷)، از هر دو الگوی چپ‌انشعابی و راست‌انشعابی^۱ (۷ a, b) تبعیت می‌کند. اما سخنگویان ترکی آذربایجانی تحت تأثیر زبان فارسی و با وام‌گیری حرف ربط که، مانند فارسی‌زبانان، الگوی راست‌انشعابی (مثال‌های ۷ c و ۳) را به کار می‌برند و الگوی چپ‌انشعابی (۷ a) در زبان ترکی آذربایجانی امروزی از کاربرد حداقلی برخوردار است. یافته‌های این تحقیق با مطالعه کرال^۲ (۲۰۰۵: ۲۸۷)، مطابقت دارد که معتقد است امروزه ترک‌زبانان در ارتباط با بند متممی، به ندرت از الگوی چپ‌انشعابی استفاده می‌کنند.

۷) a) *birā jal-sin isti-yir-am.*

می‌خواهم بیاید این‌جا

b) *isti-yir-am birā jal-sin.*

بیاید این‌جا می‌خواهم

c) *man isti-yir-am (ki) birā jal-sin.*

من می‌خواهم (که) بیاید این‌جا

من می‌خواهم (که) این‌جا بیاید.

۲-۲-۲. راه‌کار گسترش

گسترش کاربرد جمله‌های سببی مرکب، بند موصولی پس‌هسته‌ای و بند وابسته با حرف ربط آغازی، نمونه‌های بارز راه‌کار گسترش در زبان ترکی آذربایجانی هستند که در اثر تماس با زبان فارسی بسط یافته‌اند.

۲-۲-۳. ساخت سببی

کامری (۱۹۸۹)، در الگوی رده‌شناختی خود، ساخت‌های سببی را به سه دسته واژگانی، ساختوازی و تحلیلی (مرکب) تقسیم‌بندی می‌کند.

گنجشک مُرد / بچه گنجشک را کشت. (سببی واژگانی)

بچه غذا خورد / مادر غذا را به بچه خوراند. (سببی ساختوازی)

بچه غذا خورد / مادر باعث شد (که) بچه غذا بخورد. (سببی تحلیلی)

سببی ساختوازی رایج‌ترین ساخت سببی در ترکی آذربایجانی است (نی‌فر، ۱۳۹۳). فعل سببی در این ساخت، یک تکواژ (*dür*) به عنوان پسوند بیشتر از جفت غیرسببی دارد.

کشتن \rightarrow *öl-dür* — مردن *öl*

^۱. Left branching and right branching

^۲. Kiral

دو فعل *goymāx* (اجازه دادن) و *gurmāx* (تحریک کردن) در زبان‌های ترکی وجود دارد که به رخداد ساخت سببی مرکب در این زبان‌ها منجر شده است (مثال‌های ۸ و ۹). نبی‌فر (۱۳۹۳)، از این ساخت‌های سببی به‌عنوان ساخت‌های سببی اجازه‌ای در ترکی آذربایجانی نام می‌برد که در آن‌ها هیچ اجباری در کار نیست و از سببی‌های ضعیف شمرده می‌شوند.

۸) Ali *goy-mā-dī* man *jed-am*.

بروم من نگذاشت علی

۸- علی نگذاشت (که) من بروم.

۹) o man-i *gur-dī* Ali-nan *sāvāš-am*.

دعواکنم با-علی تحریک کرد را-من او

۹- او مرا تحریک کرد (که) با علی دعوا کنم.

امروزه در گونه رسمی زبان ترکی آذربایجانی از فعل‌های مرکب اجازه دادن و تحریک کردن به جای *gurmāx* و *goymāx* استفاده می‌شود. علاوه بر این همان طوری که قبلاً ذکر گردید، الگوبرداری زبان ترکی آذربایجانی از ساخت فعل مرکب زبان فارسی، به افزایش فراوانی کاربرد فعل‌های مرکب سببی مانند *bāyis olmāx* (باعث شدن)، *ijāza vermax* (اجازه دادن)، *majbur elamax* (مجبور کردن) و ... کمک نموده است و در نتیجه به‌کارگیری ساخت‌های سببی مرکب همچون مثال‌های ۱ و ۲ در ترکی آذربایجانی افزایش پیدا کرده است، هرچند ساخت سببی مرکب با کاربرد خیلی محدود (منحصراً دو فعل، مثال‌های ۸ و ۹) از قبل در این زبان وجود داشت. طبق جدول ۱، از میان ۲۸ جمله سببی گردآوری شده تحقیق حاضر، حدود ۶۵ درصد با استفاده از قرض‌گیری جز غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی، به کار رفته است.

۲-۲-۴. بند موصولی

عناصر وابسته در ترکی آذربایجانی اغلب پیش از عناصر مستقل می‌آیند، بنابراین بند موصولی در مقام یک بند وابسته پیش از هسته اسمی می‌آید (مثال ۱۰).

۱۰) *jej jalan ušāx-lār gāpī-dā gāl-dī-lār*.

ماندند پشت در بچه‌ها آمدند دیر

۱۰- بچه‌هایی که دیر آمدند پشت در ماندند.

اما گویشوران ترکی آذربایجانی تحت شرایط خاص از بند موصولی پس‌هسته‌ای نیز استفاده می‌کنند: اول این که هسته اسمی بند موصولی از ضمائر مبهم باشد و دوم این که ضمائر مبهم از لحاظ ساخت اطلاعی جمله مرکب در کانون توجه قرار گیرند (مثال‌های ۱۱ و ۱۲).

۱۱) **namana o de-yir man āl-ir-ām.**

می‌خرم من می‌گوید او هرچه

۱۱- هرچه (که) او می‌گوید من می‌خرم.

۱۲) **hārā Ali isti-yir āpār-ir-ām.**

می‌برم می‌خواهد علی هرجا

۱۲- هرجا (که) علی می‌خواهد می‌برم.

دلجوی (۱۳۷۶: ۶۵) و لی (۱۹۹۶: ۲۰۸)، بند موصولی پس از هسته اسمی در زبان ترکی آذربایجانی را محصول تماس این زبان با زبان فارسی می‌دانند. لی (۱۹۹۶: ۲۰۸)، طبق آمار منتج از بیکره زبانی نشان می‌دهد که به دلیل تأثیر زبان فارسی، ۳۹ درصد بندهای موصولی در پاره‌گفتارهای گویشوران ترکی آذربایجانی به صورت پس‌هسته‌ای نمایان می‌شود. اما همان‌طوری که از مثال‌های ۱۱ و ۱۲ مشخص است امکان رخداد بند موصولی پس‌هسته‌ای در ترکی آذربایجانی قبلاً هم وجود داشته است. زیرا قرار گرفتن ضمائر مبهم در جایگاه هسته بند موصولی و در کانون توجه واقع شدن آن‌ها، باعث می‌گردد تا بند موصولی پس‌هسته‌ای در زبان ترکی آذربایجانی شکل گیرد (بافت خاص). گویشوران ترکی آذربایجانی با وام‌گیری حرف ربط "که" فارسی، فقط کاربرد این ساخت را در زبان خود بسط و گسترش داده‌اند (مثال ۴). طبق جدول ۱، در ۴۸ درصد بندهای موصولی گردآوری شده تحقیق حاضر، از حرف ربط که فارسی استفاده شده است.

۲-۲-۵. بند وابسته قیدی

ترکیب بندهای جمله مرکب ترکی آذربایجانی در اغلب موارد بدون نشانه‌های ربطی و از طریق آهنگ ادا و یا مکث انجام می‌گیرد، اما پیوند بندهای وابسته قیدی و بندهای مستقل در جمله‌های مرکب ناهم‌پایه این زبان با نشانه‌های ربطی، به طرق زیر صورت می‌گیرد:

الف- پیوند بندها با الحاق نشانه‌های ربطی *da* (هنگامی که)، *sā* (اگر) و ...، به‌عنوان پسوند به فعل بند وابسته.

۱۳) **san-i sasliyan-da gonšu-lar jal-di-lar.**

آمدند همسایه‌ها به‌هنگام-صداکردن را-تو

۱۳- زمانی که تو را صدا کردم همسایه‌ها آمدند.

۱۴) **veyrat-i ol-sā ba niya jet-mir.**

نمی‌رود چرا پس اگر-باش مالکیت-غیرت

۱۴- اگر غیرت دارد پس چرا نمی‌رود.

ب- پیوند بندها با حرف ربط قیدی *deyin* (برای این که)، *forā* (به خاطر) و ... به عنوان تکواژ مستقل، پس از بند وابسته.

۱۵) *san-i āpār-mā-sin deyin jej jal-di.*

آمد دیر برای این که نبرد را-تو

۱۵- برای این که تو را نبرد دیر آمد.

ج- پیوند بندها با حرف ربط قیدی *yoxsā* (وگرنه) به عنوان تکواژ مستقل، پیش از بند وابسته.

۱۶) *san-na tāpšir-miš-dī yoxsā man jatir-ar-dim.*

می آوردم من وگرنه سفارش کرده بود به تو

۱۶- به تو سفارش کرده بود وگرنه من می آوردم.

فعل بند وابسته در هر دو نوع ساخت نحوی الف و ب، اغلب به صورت ناخودایستا^(۲) نمود آوایی پیدا می کند، اما اگر بند وابسته در یک جمله مرکب ناهمپایه ترکی آذربایجانی به شرط یا موقعیت غیر واقعی و غیرممکن دلالت داشته باشد، در آن صورت؛ حرف ربط قیدی در آغاز بند وابسته با فعل خودایستا قرار می گیرد (ساخت نحوی ج). کاربرد این ساخت که محدود به بافت خاص است با پیوند بندهای وابسته و مستقل زبان فارسی کاملاً مطابقت دارد و وام‌گیری حروف ربط قیدی چون، زمانی که، اگر، هرچند، درحالی که، به جز این که و ... (مثال‌های ۵ و ۶) از زبان فارسی موجب شده است تا فراوانی ساخت نحوی نوع ج، در زبان ترکی آذربایجانی بسط و گسترش یابد. طبق جدول ۱، ۴۲ درصد از بندهای وابسته قیدی داده‌های تحقیق حاضر، با استفاده از حروف حروف ربط قیدی زبان فارسی، به کار رفته است.

گوشوران زبان بدل در مطالعه هاینه (۲۰۰۶)، بدون وام‌گیری ماده زبانی (تکواژهای دستوری)، کاربرد ساخت‌های نحوی زبان خود را با ساخت‌های نحوی متناظر در زبان مدل، مطابقت می‌دهند درحالی که راه‌یابی برخی تکواژهای دستوری زبان فارسی (به عنوان زبان وام‌دهنده) به زبان ترکی آذربایجانی (به عنوان زبان وام‌گیرنده)، باعث شده است تا گوشوران ترکی آذربایجانی از میان ساخت‌های نحوی جایگزین زبان خود، الگوهای منطبق با ساخت‌های مشابه و متناظر در زبان فارسی (ساخت سببی تحلیلی، بند متممی راست‌انشعایی، بند موصولی پس‌هسته‌ای و بند وابسته با حرف ربط آغازی)، را انتخاب کرده و به کار بندند.

ساخت‌های نحوی یکی از ابزارهای مهم برای مشخص کردن تأکید روی عنصر یا عناصری از جمله است و جابه‌جایی سازه‌ها می‌تواند ساخت اطلاعی جمله را دگرگون سازد (محمودی، ۱۳۹۳). عناصر وابسته در زبان ترکی آذربایجانی پیش از عناصر مستقل می‌آیند، بنابراین اگر تأکید جمله روی عناصر وابسته جمله مرکب باشد؛ گوشوران ترکی آذربایجانی، بند موصولی پیش‌هسته‌ای، نشانه‌های ربطی

پس از بند وابسته و بند متممی چپ انشعابی را به کار می‌برند؛ اما اگر کانون توجه روی هسته بند موصولی، حروف ربط قیدی و سازه‌های بند غیرمتممی جمله مرکب باشد، سخنگویان ترکی آذربایجانی با وام‌گیری حروف ربط زبان فارسی از ساخت‌های نحوی منطبق با آن زبان استفاده می‌کنند.

۳. نتیجه‌گیری

تغییرات نحوی حاصل از تأثیر زبان فارسی بر ترکی آذربایجانی، تغییراتی بیگانه با نحو آن زبان نیست و به معنی پیدایش ساخت‌های نحوی جدید در زبان ترکی آذربایجانی هم نمی‌باشد، بلکه آنچه که تازگی دارد، راه کارهای تخصیص و گسترش در این زبان می‌باشد که به بسامد بالای کاربرد ساخت‌های نحوی منطبق با ساخت‌های مشابه و متناظر زبان فارسی، منجر شده است. بنابراین چه انگیزه‌های کلامی- معنایی، چه دلایلی که محققان پیشین نظیر سلوبین (۱۹۸۶) و لی (۱۹۹۶)، مطرح نمودند، همگی دلایل کاربردی هستند که محرک تغییرات نحوی در جملات مرکب زبان ترکی آذربایجانی شده‌اند و گویشوران ترکی آذربایجانی با ایجاد این تغییرات به تنوع کاربرد ساخت‌های نحوی و غنای زبانی خود وسعت داده‌اند.

ارزیابی یافته‌ها و نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در کل، تغییرات نحوی حاصل در جملات مرکب زبان ترکی آذربایجانی در جهت هم‌سویی با زبان فارسی صورت پذیرفته است که از پیامدهای طبیعی برخورد و تماس زبان‌ها می‌باشد. همان‌طوری که دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۲)، معتقد است زبان فارسی به‌عنوان لایه زیرین^۱ همچنان ویژگی‌های و مولفه‌های رده‌شناختی خود را به زبان‌های دیگر ایران به‌عنوان لایه زیرین^۲ منتقل می‌کند و قرض‌گیری و تأثیرپذیری، به همگرایی ساختاری بیشتر این زبان‌ها با زبان فارسی خواهد انجامید.

پی‌نوشت‌ها

۱- نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۳۹۳)، معادل بدل را به جای replica به کار برده‌اند (صورت زبانی که در زبان وام‌دهنده، ملاک و الگوی وام‌گیری قرار گرفته است، مدل نامیده می‌شود و صورت متناظر و مشابه آن در زبان پذیرا، بدل نام دارد).

۲- افعالی که صرف نمی‌شوند و حاوی اطلاعاتی همچون زمان، شخص و شمار نیستند (infinite verb).

1. superstratum

2. substratum

منابع

کتاب‌ها

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، جلد ۱، چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷)، مبانی دستور زبان ترکی آذربایجانی، تهران: انتشارات فرزانه.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۹۴)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، ویرایش دوم، تهران: سمت.

پایان‌نامه‌ها

- دلجوی، فریده (۱۳۷۶)، ساخت موصولی در زبان ترکی آذربایجانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یاری، سیاوش (۱۳۷۴)، قرض‌گیری واژگانی زبان ترکی آذربایجانی از زبان فارسی و بررسی علل و زمینه‌های آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

مجلات

- محمودی، سولماز (۱۳۹۳)، «زبان ترکی آذربایجانی در گذر تاریخ»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- نبی‌فر، نسا (۱۳۹۳)، «بررسی معنایی، نحوی و کاربردشناختی سببی‌های مرکب در ترکی آذربایجانی»، جستارهای زبانی، ش ۷ (۲)، صص ۲۲۳-۲۴۳.
- نغزگوی کهن، مهرداد و عبدالملکی، علی (۱۳۹۳)، «وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ش ۷، صص ۹۷-۱۱۳.

منابع لاتین

- Aikhenvald, A. Y. (2002). **Language contact in Amazonia**. New York: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A.Y. (2006) *Grammars in Contact: A cross-linguistic perspective*. In A.Y. Aikhenvald & R.M.W. Dixon (eds.). **Grammars in**

Contact: A Cross- Linguistic Typology: 1-66. Oxford: Oxford University Press.

- Chikovani, G. (2005). Linguistic contact in central Asia. **In Linguistic Convergence and Areal Diffusion: Case studies from Iranian, Semitic and Turkic**, E. Csato, A. Bo Isaksson and c. Jahani (eds), 127-132, London: Routledge.

- Comrie, B. (1981 b). **The languages of th Soviet Union**. Cambridge: Cambridge University Press.

- Comrie, B. (1989). **Language universals and linguistic typology**. 2nd edition. Chicago: University of Chicago.

- Dehghani, Y. (2000). **A grammar of Iranian Azeri: Including Comparisonswith Persian**, München: Lincom Europa.

- Harris, A. and Campbell, L. (1995). **Historical syntax in cross-linguistic perspective**. Cambridge: Cambridge University Press.

- Haugen, E. (1950). The analysis of linguistic borrowing. **Language**, 26, 210-231.

- Heine, B. (2006). **Contact-induced Word Order Change without Word Order Change** [Working Papers in Multilingualism, Series B, 76]. University of Hamburg: Sonderforschungs-bereich 538: Mehrsprachigkeit.

- Kırıl, F. (2005). Modal constructions in Turkic of Iran. **In Linguistic Convergence and Areal Diffusion: Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic**, E. A. Csató, B. Isaksson & C. Jahani (eds.), 285–293. London: Routledge/Curzon.

- Lee, S., N. (1996). **A Grammar of Iranian Azerbaijani**. Doctoral dissertation, Sussex university.

- Muysken, P. (1981a). Quechua en Spaans in het Andesgebied. [Quechua and Spanish in the Andes.] **Tijdschrift voor Taalen Tekstwetenschap**, 1, 124–138.

- Myers-Scotton, C. (2002). **Contact linguistics**. Oxford: Oxford University Press.

- Poplack, S., Sankoff, D & Miller, C. (1988). The social correlates and linguistic processes of lexical borrowing and assimilation. **Linguistics**, 26, 47–104.

- Sakel, J. (2007). Types of loan: matter and pattern. **In Grammatical borrowing in cross linguistic perspective**. Yaron Matras and Jeanette Sakel (eds.). Berlin. New York: Mouton de Gruyter, 15-29.

- Slobin, D. I. (1986). The acquisition and use of relative clauses in Turkic and indo-European languages, in D. I. Slobin and K. Zimmer (eds.), **Studies in Turkish Linguistics**, 8, 273– 294. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Thomason, S. & Kaufman, T. (1988). **Language Contact, Creolization, and Genetic Linguistics**. Berkeley: University of California Press.
- Thomason, S. (2001b). **Language Contact**. Edinburgh: EUP.
- Underhill, R. (1979). **Turkish grammar**. Cambridge: MIT.